

فصل اول: کلیات ۱

۱-۱. بیان مساله ۲

۱-۲. پیشینه ۳

۱-۳. ضرورت تحقیق ۷

۱-۴. روش تحقیق ۷

۱-۵. سوال اصلی و فرعی ۷

۱-۶. مفهوم شناسی ۷

۱-۶-۱. معناشناسی واژه میل ۷

۱-۶-۱-۲. معنای لغوی میل ۷

۱-۶-۱-۲. معنای اصطلاحی میل ۱۱

۱-۶-۲. کاربرد های قرآنی ۱۳

۱-۶-۲. واژگان همسو ۱۶

۱-۶-۲-۱. اراده ۱۶

۱-۶-۲-۲. رغبت ۱۷

۱-۶-۲-۳. حب ۱۸

۱-۶-۲-۴. شهوت ۲۰

۱-۶-۳. مدیریت ۲۱

فصل دوم: نقش و اهمیت میل در سعادت و کمال انسان ۲۴

۲-۱. سعادت ، کمال و اختیار انسان ۲۵

۲-۲. تحلیل عمل اختیاری و فرایند شکل گیری آن ۲۹

۲-۲-۱. مبانی اختیار ۲۹

۲۹	۲-۲-۱-۱. شناخت
۳۱	۲-۲-۱-۲. میل و گرایش
۳۳	۲-۲-۱-۳. قدرت
۳۴	۲-۲-۲. مراحل شکل گیری عمل
۳۶	۲-۳. نقش میل در عمل اختیاری و سعادت انسان
۳۸	فصل سوم: شناسائی امیال
۳۹	۳-۱. تقسیمات گوناگون
۴۰	۳-۱-۱. تقسیم نخست
۴۱	۳-۱-۲. تقسیم دوم
۴۱	۳-۱-۳. تقسیم سوم
۴۲	۳-۱-۴. تقسیم چهارم
۴۲	۳-۱-۵. تقسیم پنجم
۴۳	۳-۲. دسته بندی های استاد مصباح
۴۴	۳-۲-۱. فطری و اکتسابی
۴۵	۳-۲-۲. موقت و ماندگار
۴۵	۳-۳. دسته بندی معروف ابراهام مازلو
۴۹	تاملی در نظریه مازلو
۵۱	۳-۴. قرآن و نیازها
۵۲	۳-۴-۱. میل به خدا در مرحله نیازهای مادی

.....	۵۷
.....	۶۰
.....	۶۵
.....	۶۸
.....	۷۵
.....	۷۹
.....	۸۲
.....	۸۳
.....	۸۵
.....	۸۵
.....	۸۵
.....	۹۰
.....	۹۵
.....	۹۷
.....	۱۰۰
.....	۱۰۳
.....	۱۰۳
.....	۱۰۳
.....	۱۰۶
.....	۱۰۷
.....	۱۰۹

۵-۱. تعیین میل محوری.....	۱۱۰
۵-۲. راهکارهایی برای شکوفا شدن میل به خدا.....	۱۱۳
۵-۲-۱. معرفت و شناخت؛ شرط لازم شکوفائی میل به خدا.....	۱۱۳
۵-۲-۱-۱. تفکر در نعمتهای خدادادی.....	۱۱۶
۵-۲-۱-۲. توجه به کمال و صفات الهی.....	۱۱۹
۵-۳. راهکارهای تقویت میل به خدا.....	۱۲۲
۵-۳-۱. ذکر خدا.....	۱۲۲
راههای عملی برای ذکر.....	۱۲۴
أ- نماز.....	۱۲۴
ب- تلاوت قرآن.....	۱۲۵
ج- توجه به رسول خدا و حجت‌های او.....	۱۲۵
۵-۳-۲. حفظ چهار چوب امیال غریزی.....	۱۲۸
خاتمه.....	۱۳۱
نتایج.....	۱۳۱
پیشنهاد.....	۱۳۱
فهرست منابع.....	۱۳۳

فصل اول: کلیات

۱-۱. بیان مساله

هدف از آفرینش آدمی رسیدن به کمال حقیقی است. دین مبین اسلام کمال را در قرب خدا می‌داند. آنچه در رسیدن انسان به این کمال موثر است فعل اختیاری اوست. اختیار یک فعل نیز زمینه‌های مختلفی دارد که منجر به انجام فعل می‌شود. یکی از این زمینه‌ها میل است.

در تعریف میل می‌توان گفت که عبارت است از کششی درونی که انسان را به حرکت وادار می‌دارد و به رفتار انسان جهت می‌دهد.^۱

با توجه به تعدد امیال و خصوصاً تراحم آنها در مقام ارضاء و نقش آنها در اراده و اختیار انسان، کسی در رسیدن به کمال موفق است که بتواند میل‌های خویش را مدیریت کند.

با توجه به تعاریف اصطلاحی^۲ که برای مدیریت وجود دارد و اصولی که برای مدیریت نیاز است مدیریت را چنین تعریف می‌کنیم: هنر شناسائی، هماهنگ‌سازی، هدایت و کنترل صحیح یک مجموعه به سمت هدف تعیین شده بر مبنای یک نظام ارزشی.

^۱ این تعریف متخذ از تعاریف و عباراتی است که درباره میل و انگیزه در کتابهای اخلاقی و روانشناسی آمده است از جمله: محمد صادق شجاعی، دیدگاه‌های روان‌شناختی آیت‌الله مصباح یزدی ۶۰-۶۲؛ محمد تقی مصباح یزدی، انسان‌شناسی؛ مارشال ریو، انگیزش و هیجان؛ دکتر محمد عثمان نجاتی، قرآن و روانشناسی ترجمه عباس عرب؛ درآمدی به روانشناسی ج ۱ ارنست هیلگارد و همکاران ترجمه حسن مرنندی. البته واژگان دیگری نزدیک به واژه میل هست که در بعضی موارد به جای هم بکار می‌روند و این مطلب به تفصیل با عنوان واژگان همسو در پایان نامه خواهد آمد.

^۲ علی رضائیان، اصول مدیریت، نشر سمت چاپ ۷۴؛ علی رضا علی‌آبادی، مدیران جامعه اسلامی؛ محمود رضائی زاده و علی اکبر مهاجری، مهارت‌های مدیریت خویشتن

بنابراین طبق این تعریف مولفه های ما در مدیریت امیال ، شناسائی آنها ، کنترل و جهت دهی صحیح امیال ، هماهنگی در امیال و رفع تضاحم آنها می باشد .

در رابطه با محدوده پژوهش ، این نکته قابل ذکر است که ما در صدد شمارش امیال و شناسائی راهکارهای قرآنی برای مدیریت تک تک آنها نیستیم لذا در بحث شناسائی امیال نیز به این نکته پرداخته می شود که انسان دارای دو دسته میل متعالی و غیر متعالی است و راه کارهای مدیریتی نیز در این بحث ناظر به این دو دسته است نه هر میل به صورت جداگانه . البته به عنوان نمونه به چند میل برجسته و مورد اتفاق که در قرآن روی آن تاکید شده می پردازیم .

مشخصه این پژوهش ، بررسی ابعاد مدیریتی امیال(با توجه به سه مولفه مذکور) است که قصد داریم نگاه قرآنی به این مساله داشته باشیم و در میان اقوال مفسرین ، بر دیدگاه های مفسر گرانقدر آیت ... مصباح یزدی تاکید داریم .

۲-۱. پیشینه

تا آنجایی که بررسی شد پیشینه مستقلى در این زمینه مشاهده نشد و منابع مختلفى که به نحوى به این بحث پرداخته اند به شرح زیر است :

اخلاق در قرآن ، ج ۲، محمدتقى مصباح یزدی ، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری ، انتشارات موسسه امام خمینی ره ، چاپ اول بهار ۱۳۷۶

مؤلف در این کتاب در ابتدا به طرحی جامع برای ساختار نفس و میل های انسان می پردازد و آن را بصورت هرمی سه بعدی تشبیه می کند آن ابعاد را علم و قدرت و محبت می داند . ایشان اصل و اساس همه انگیزه ها را در حب نفس می دانند که از آن سه گرایش اصلی سرچشمه می گیرد : حب بقاء و حب کمال و لذت جوئی است که هر کدام از آنها فروعاتی دارند .

ایشان با این طرح به ذکر میل های اصیل انسان می پردازند و در مورد جهت گیری نیز به برخی از این میل ها نکاتی را بیان می فرمایند . مثلاً فقط در مورد قدرت طلبی و میل به بقا عنوان جهت دهی را آورده اند .

این کتاب در شناساندن امیال انسان مخصوصاً در قالب طرحی که ارائه شده موفق بوده است ولی ما در این پژوهش در صدد شمارش میل‌های انسان آنگونه که در این کتاب آمده نیستیم بلکه جهت بحث ما به گونه‌ای متفاوت از ساختار این کتاب است، بطوریکه علاوه بر تفاوت در نوع روش بحث به راهکارهایی می‌پردازیم که در این کتاب بیان نشده است.

نیازهای انسان از منظر آموزه‌های دینی و روان‌شناسی، محمود مرویان حسینی، به نشر آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۸۳/

در این کتاب به نیازهای انسان در چهار قسم مادی، روانی، شناختی و معنوی پرداخته است. تلاش مولف بررسی این نیازها در دین و روان‌شناسی بوده است و در این زمینه تا حدودی موفق بوده است. در هر بخش مربوط به نیاز مورد نظر بعد از لیست کردن روایات و آیات مربوط به آن نیاز به ذکر نکاتی پراکنده از آیات و روایات می‌پردازد که برخی از آنها به بحث جهت‌دهی میل‌ها مربوط است ولی از آنجا که تلاش مولف استخراج نظریه قرآن بطور جدی در این زمینه نبوده نکاتی مختلف و پراکنده ذکر کرده است یا اینکه در برخی موارد جنبه روایی پیدا کرده است و بعضاً در توصیه‌ها و راه‌کارهای تعدیل اصلاً آیه یا روایتی دیده نمی‌شود و یا به ذکر اقوال روان‌شناسان بسنده شده است.

خودشناسی برای خودسازی، آیت‌ا. مصباح یزدی، چاپ نهم ۱۳۸۳، ناشر موسسه امام خمینی ره

این کتاب حاوی مطالبی در زمینه کمال انسان، جهت‌یابی میل‌های فطری و نقطه اوج امیال، است. در انتها نیز در قالب پاسخ به چند پرسش مطالب مفیدی که کم و بیش به بحث ما مربوط است آمده است مطالبی چون نقش علم در تکامل، نقش میل و علاقه در ادراک.

اما از آنجا که بنای مولف محترم چنانکه خود ایشان تصریح کرده اند این بوده است که از برای اثبات مطالب به دریافت‌های وجدانی و براهین ساده عقلی اکتفا شود و فقط در صورت لزوم به دلیل‌های

پیچیده عقلی و نقلی اشاره شود ، لذا در صدد ارائه نظریه قرآن در این زمینه بصورت منسجم نبوده اند و به عنوان مثال در بحث جهت یابی امیال فطری آیه ای دیده نمی شود .

روش های تربیت اخلاقی قرآن در المیزان ،پایان نامه دکتری ،سید احمد فقیهی ۱۳۸۹ موسسه امام خمینی ره

مولف در این پژوهش به بررسی روش های تربیت اخلاقی در ابعاد مختلف پرداخته است که هر فصل را به یک بعد اختصاص داده است .در فصل پنجم به روش های تربیت اخلاقی در بعد میل و انگیزه پرداخته اند که به بحث ما مربوط است .ایشان این بحث را در دو روش زمینه ساز شکوفایی انگیزه ها و روش ایجابی آن پرداخته اند و مطالبی را در این زمینه آورده اند .

اما از آنجا که ایشان ناظر به المیزان بوده اند بحث های علامه را در این رابطه ذکر کرده اند و از بحث میل و انگیزه آنچه که مربوط به روش تربیت اخلاقی بوده آورده اند ولی پژوهش حاضر با تفصیل بیشتری به بحث مدیریت و جهت دهی میل ها در قرآن می پردازد و زوایای دیگری در بحث هست که در این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد و ساختار این پژوهش نیز متفاوت خواهد بود.

نیاز های متعالی بشر از دیدگاه قرآن کریم ، ،پایان نامه ارشد ، محمد مهدی پور علی فرد ۱۳۸۳موسسه امام خمینی ره

این پژوهش در سه فصل کلیات ، نیازشناسی، ملاک و ویژگیهای نیازهای متعالی تنظیم شده است که قسمت اعظم این پژوهش را فصل دوم آن بخود اختصاص داده است .

همانگونه که در عنوان نیز پیداست در این پایان نامه همت محقق در شناسائی و معرفی نیازهای متعالی انسان در قرآن بوده است و در فصل دوم ضمن شمردن این نیازها آیات مربوط به آن را ذکر کرده و بحث کرده اند .

اما آنچه که به بحث ما ارتباط بیشتری پیدا می کند در فصل سوم این پایان نامه است. در صفحه ۱۱۸ به موارد اهتمام قرآن در رابطه با نیازهای متعالی پرداخته شده است و اهم آن موارد را دو مورد ذکر کرده اند :

۱.شکوفائی خواست های متعالی

۲. جهت دهی و هدایت امیال متعالی به سوی مقصد متعالی

با توجه به اینکه این دو مورد موضوع اصلی بحث ایشان نبوده است لذا به اجمال به این بحث در قالب ۶ صفحه پرداخته اند و خود ایشان در صفحه ۱۱۹ اذعان دارند که این بحث نیازمند یک رساله مستقل در این زمینه است .

اسلام و روانشناسی ، دکتر محمود بستانی ، ترجمه محمود هوشم ، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس ، چاپ سوم ۱۳۸۷

این کتاب در ۴ بخش تنظیم شده است که هر بخشی شامل چند فصل است. آنچه مربوط به بحث تمایلات انسان است در بخش چهارم با دو فصل آمده است .مؤلف میل را با تعبیر سائقه آورده است و یک فصل را به سائقه های روانی و راههای تنظیم آن و فصل دیگر در این بخش را به سائقه های زیستی و راههای تنظیم آنها اختصاص داده است .

آنچه در مطالعه این کتاب به نظر می رسد این است که مؤلف در صدد بیان تعارضات روانشناسی مادی با نگرش اسلام است لذا در بحث سائقه های روانی از تمایلاتی نام می برد که گرچه در روانشناسی در ردیف تمایلات زیستی نام برده می شود ولی در اسلام مذموم است مثلاً وابستگی اجتماعی در برابر وابستگی الهی .

این کتاب در توضیح نگرش اسلام در مساله روانی مورد نظر بیشتر ناظر به روایات است تا آیات ، لذا از بیان نکات قرآنی بطور خاص خالی است . نکته دیگر در این کتاب این است که در تبیین نگرش اسلام ، در برخی موارد ، با ممزوج کردن بحث با اصطلاحات روانشناسی ، این اثر را فقط برای آشنایان به این علم قابل استفاده کرده است .

آنچه ما در صدد آن هستیم شناسائی راهکارهای قرآنی و کاربردی برای مدیریت صحیح میل های انسان است نه صرفاً تحلیل آموزه های روان شناسی اسلام ، لذا هم ساختار بحث ما و هم محتوا با این اثر متفاوت خواهد بود .

۳-۱. ضرورت تحقیق

با توجه به تاثیری که میل در رفتار انسان دارد و اینکه مدیریت صحیح میل ها در رفتار صحیح انسان ها نقش بسزائی دارد اهمیت ذاتی این مساله بخصوص از دیدگاه قرآن که این پژوهش ناظر به آن است مشخص می شود و چون که منبعی مستقلا به این موضوع با این نگرش پرداخته باشد , یافت نشد به ضرورت این تحقیق پی می بریم .

۴-۱. روش تحقیق

روش تحقیق در مرحله مطالعه و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و در مرحله حل مسأله توصیفی تحلیلی است.

۵-۱. سوال اصلی و فرعی

پرسش اصلی : دیدگاه قرآن درباره مدیریت میل های انسان چیست ؟
=====فرعی :

۱. میل در عمل اختیاری و سعادت انسان چه نقشی دارد ؟
۲. در انسان چه امیالی وجود دارد ؟(شناسائی امیال)
۳. راه کارهای هماهنگی بین امیال و ترجیح آنها در مقام تراحم چیست ؟
۴. راه کارهای قرآنی در جهت دهی و هدایت امیال در مسیر قرب الهی چیست؟

۶-۱. مفهوم شناسی

۱-۶-۱. معناشناسی واژه میل

۲-۱-۶-۱. معنای لغوی میل

برای جلوگیری از سوء تفاهم و در راستای شفافیت موضوع ، لازم است ؛ پیش از ورود به هر بحثی مفاهیم کلیدی موضوع و عنوان آن روشن شود .

واژه میل، اصل آن عربی است و در فارسی نیز بکار برده می‌شود. این واژه در عربی هم به فتح میم و هم به کسر آن استعمال می‌شود که این اختلاف اعراب در معنا نیز مؤثر است. این واژه در فارسی اگرچه به کسر میم مشهور است ولی برگرفته از همان میل در عربی است. زیرا میل در عربی معنایی دارد که در فارسی، آن معنا از واژه میل مراد نیست.^۱ لذا می بینیم در فرهنگ لغت های فارسی به درستی به این مطلب توجه شده است و اصل این واژه را از میل در عربی گرفته اند و معنای آنرا خمیدن، برگردیدن، یکسو شدن و رغبت کردن ذکر کرده اند.^۲ در فرهنگ معین نیز علاوه بر معنای مصدری فوق، معنای اسم مصدری خمیدگی، انحراف، رغبت، حب و محبت آمده است.^۳

با توجه به عربی بون اصل این واژه، ما در این قسمت برآنیم تا واژه میل را در این زبان بررسی کنیم: ابن فارس در بیان معنای لغوی این واژه می گوید:

این واژه دلالت بر انحراف در چیزی به یک طرف آن دارد. به مردی که بر روی اسب ثبات ندارد (به یک طرف کج می شود) امیل گفته می شود.^۴ ابن دُرَید نیز معنایی شبیه به این ذکر می کند:

میل مصدر است و در مورد چیزی بکار می رود که در آن اعوجاج و کجی باشد.^۵ و جمع آن میل است.

^۱ میل به کسر میم در عربی به معنای میله سرمه دان، و یا واحدی برای اندازه گیری مسافت آمده است. رک ابن درید، ترتیب جمهره اللغه ج ۳ ص ۳۸۲. ابن منظور نیز معانی ای که برای میل نقل می کنند متفاوت از میل است؛ ایشان کاربرد این واژه را در زمین بمعنای اندازه ای از آن، به مقدار منتهای دید چشم می داند و می گوید به همین جهت به نشانه هایی که در راه مکه قرار داده اند امیال گفته می شود چون آنها را در جایی قرار داده اند که چشم دید دارد، و هر سه میل را یک فرسخ می گویند. و البته میل به معنای میله سرمه دان و میله جراحی برای پی بردن به عمق زخم را نیز از دیگران نقل می کند. رک: لسان العرب ج ۱۱ ص ۶۳۹

^۲ حسن عمید، فرهنگ فارسی، ج ۲ ص ۱۸۸۰

^۳ محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۴۵۰۴

^۴ احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، ج ۵، ص ۲۹۰

^۵ ابن درید، ترتیب جمهره اللغه، ج ۳ ص ۳۸۲

ایشان علاوه بر ذکر استعمال واژه اَمَّیْل برای مردی که بر روی اسب ثبات ندارد؛ به کاربرد همین واژه در مورد شتری که کوهان آن به یک طرف کج شده است اشاره می کند؛ جملٌ اَمَّیْل و ناَقَهٌ مَّیْلَاء .

ابن منظور در بیان معنای این واژه می گوید :

المَّیْلُ: العُدُولُ إِلَى الشَّيْءِ وَ الْإِقْبَالُ عَلَيْهِ ^۱. میل به معنای جهت گرفتن به سوی چیزی و روی آوردن به آن است .

راغب اصفهانی نیز در کتاب خود، میل را خروج از حد وسط به یک طرف معنا می کند و می نویسد : این واژه در ظلم و جور هم بکار می رود و در مورد اجسامی که چنین وصفی دارند (غیر عادی اند و اعتدال ندارد) اگر این کجی از اول خلقت در آنها باشد مَّیْل و اگر بر آنها عارض شده باشد مَّیْل گفته می شود ^۲.

مصطفوی در التحقيق پس از نقل معانی لغویون درباره این واژه می گوید :

تنها اصل در معنای این واژه، مطلق انحراف است؛ به چیزی یا از چیزی. این انحراف در حق باشد یا باطل، در امر طبیعی باشد یا غیر طبیعی. که از مصادیق این انحراف، بازگشتن از راه (مال عن الطريق) و از مسیر حق (مال عن الحق) و از خلقت بواسطه وجود کجی در جسم، و خارج شدن از تناسب در مثل دیوار و بنای ساختمان (مال الحائط) و جمع شدن شن ها در جایی است (مال الرمل).

ایشان در ادامه می گوید : میل اگر با عن بیاید معنای عدول و روگردانی می دهد و اگر با الی بیاید معنای توجه کردن و روی آوردن به چیزی است و بالاخره اگر مطلق بیاید مراد از آن مطلق انحراف و میل است ^۳. البته خوب بود ایشان به کاربرد این واژه با حرف جر علی هم اشاره می کرد که در قرآن نیز بکار رفته

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۳۷

^۲ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۸۳. در لسان العرب نیز به این نکته اشاره شده است که اگر کجی در جسم از اول خلقت باشد به فتح یاء و اگر بر آن عارض شود به سکون یاء استعمال می شود، ابن منظور، لسان العرب،

ج ۱۱، ص ۶۳۸

^۳ حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن ج ۱۱، ص ۲۲۸

و بمعنای حمله کردن آمده است.^۱ در اینصورت شاید بتوان گفت رو کردن و توجه به چیزی یا کسی اگر به نفع باشد "مال الیه" و اگر به ضرر باشد "مال علیه" بکار می‌رود و اگر ضد رو کردن و توجه، یعنی روی گردانی و اعراض باشد با حرف عن بکار می‌رود.

به نظر می‌رسد؛ اگر این مبنا را بپذیریم که واژه‌ها در ابتدا برای معانی حسی وضع شده‌اند؛ این واژه در ابتدا برای هر چیزی که کج بوده استعمال می‌شده است؛ مانند: مردی که بر روی اسب ثبات ندارد و به طرفی کج می‌شود یا شتری که کوهانش کج است. سپس این معنا بطور گسترده تری برای هر نوع خروجی از حد وسط از جمله در امور غیر حسی مثل ظلم حاکم در صدور یا اجرای حکم و یا حالت تردید برای انسان بکار رفته است. اینکه این واژه در مورد خواست‌ها و کشش‌های انسان کاربردش رائج شده نیز به همین جهت است که خواهش‌ها و تمایلات، انسان را به سمت خود می‌کشد؛ گویا اگر تمایلات نباشند انسان یک مسیر ثابت و بدون تغییری داشت و دچار رکود و سکون می‌شد.

البته این نکته قابل ذکر است که استعمال واژه میل برای خواست‌ها و کشش‌ها در عربی معاصر نسبت به عربی قدیم، ظهور بیشتری دارد. لذا کلمه مِیَال را امروزه برای عاشق و شیفته و دل‌باخته بکار می‌برند.^۲ ضمناً جمع میل را امیال و میول گفته‌اند.^۳ گرچه میول برای مِیل و امیال برای میل در عربی رائج‌تر به نظر می‌رسد.

در زبان انگلیسی واژه‌های ذیل به معنای میل بکار رفته است:

appetite .aspiration .desire. fancy .inclination . urge . wish^۴

^۱ وَ مِلْتُ عَلَيْهِ: تحاملتُ علیه؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن ص ۷۸۳

^۲ نجفعلی میرزائی، فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی، فارسی، ص ۵۸۷ چ دوم ۱۳۷۷ نشر دارالاعتصام قم

^۳ آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، نشر نی، چاپ اول ۱۳۷۹ / بستانی، فؤاد افرام و مهیار، رضا، فرهنگ

ابجدی، ص ۸۸۵

^۴ مهرداد، فیروز بخت، فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی، تهران، نشر ویرایش، چ اول، ۱۳۸۹

۱-۶-۱-۲. معنای اصطلاحی میل

برخلاف معانی اصطلاحی برخی واژه ها که از معنای لغوی آن دور هستند ؛ معنای اصطلاحی میل با معنای لغوی آن بیگانه نیست .

علوم مختلفی که به مباحث شناخت انسان و ابعاد او پرداخته اند^۱ از بعد مهم گرایشی انسان غافل نبوده اند ؛ اما در تعاریف آنها ضمن وجود نقاط مشترک ، تعبیر نسبتاً گوناگونی درمورد میل و خواسته های انسان دیده می شود .^۲ در اینجا پس از اشاره به برخی تعاریف میل در روانشناسی و فلسفه به تعریف خود از میل می پردازیم .

در روانشناسی استعمال واژه انگیزه به جای میل شایع تر است.^۳ لفظ انگیزه و انگیزش در روانشناسی امروزی مفاهیم مختلفی دارد . ولی شاید همه روانشناسان در این مطلب متفق باشند که انگیزه عاملی است درونی که شخص را در جهت معینی به حرکت در می آورد و یا موجب رفتار می شود . بنابراین انگیزه را نمی توان مستقیم مشاهده کرد و وجود آنرا باید از روی رفتار شخص استنباط کرد .^۴ انگیزه ها نیروهای محرکی هستند که در موجود زنده حالتی از نشاط و فعالیت را بر می انگیزند و رفتارشان را آشکار می سازند و او را به سوی هدف یا هدفهای مشخصی راهنمایی می کنند .^۵

^۱ مانند فلسفه و علم النفس یا روانشناسی و اخلاق

^۲ اتوکلاين برگ می نویسد :

"از میان کلماتی مانند انگیزه و کشش و طغیان درونی و احتیاج و میل فشار و بسیاری کلمات دیگر که بجای اینها پیشنهاد شده است برگزیدن یکی و ترجیح بر دیگری کار آسانی نیست . در شرائط مساوی بهتر این است که تا آنجا که شدنی است به دستو پای این اصطلاحات نیچیم . در این باب اصطلاحاتی که ظاهراً بیشتر در نوشته های روانشناسی از همه بیشتر رائج شده است در وهله اول کلمه انگیزه و در وهله دوم کلمه کشش است . " رک : اتوکلاين برگ ، روانشناسی اجتماعی ، ص ۱۰۱

^۳ در یکی از کتب معروف در این رشته آمده است : در روان شناسی ، اصطلاح انگیزش و انگیزه motive ، برای چیزی بکار برده می شود که موجود زنده را از داخل به فعالیت در می آورد . ر. ک : نورمان ل . مان ، اصول روانشناسی ، ترجمه محمود ساعتچی ج ۱ ، چ ۶ ، ۱۳۶۲ / واژه های دیگری که در روانشناسی رائج است سائق ، غریزه و نیاز است .

^۴ علیرضا اعرافی و دیگران ، فلسفه تعلیم و تربیت ، ص ۳۸۳

^۵ محمد عثمان نجاتی ، قرآن و روانشناسی ، ترجمه عباس عرب ص ۲۷

البته به این نکته باید توجه داشت که در فارسی گاهی مراد ما از انگیزه رفتار، هدف آن است و روشن است که هدف در انتهای کار است؛ مثلاً وقتی می‌پرسیم فلانی انگیزه اش از درس خواندن چیست؟ سوال از هدف او از این کار است. این معنا از انگیزه با انگیزه بمعنای کشش و محرک رفتار دو بعد از یک معناست؛ چنانکه استاد مصباح در این زمینه می‌فرماید: "انگیزه از یک نظر نتیجه و ثمره‌ای است که بر رفتار مترتب می‌شود؛ زیرا علت غائی رفتار است. علت غایی از حیث تصور مقدم بر رفتار و موجب آن است، اما از حیث تحقق خارجی مؤخر و مترتب بر رفتار می‌باشد."^۱

میل از دیدگاه فلسفی نوعی کشش به سوی نقطه کمال هر موجود است. هر موجودی در عالم در تغییر و حرکت است و در هر موجودی نوعی جذبه مغناطیس گونه نهاده شده است که وی را به کمال خود رهنمون می‌سازد.

میل دوگونه است: ۱. میل طبیعی: درآندسته از موجودات طبیعی قرار دارد که مبدا مباشر حرکت آنها عمدتاً نا آگاهانه است؛ مانند میلی که در اجسام متحرک وجود دارد - بنابر استدلال فلسفی - یا میلی که در نباتات به چشم می‌خورد.

۲. میل شعوری: کششی است در حیوان و انسان که با آگاهی و شعور همراه است و در وقوع فعل بر اساس آن، اراده و اختیار دخالت دارد.^۲

روشن است که مراد از میل در این نوشتار بر قسم دوم منطبق است و می‌توان ویژگیهای آن را چنین بیان کرد:

الف) دارای ویژگی انگیزشی و محرکیت است. میل اساساً موتور محرک در افعال ارادی انسان و حیوان است. اگر تمایل در انسان نباشد صرف آگاهی به کمال و خوبی هیچگونه تحریک و تشویقی به سوی اقدام عملی ندارد.

ب) میل شعوری، آگاهانه است و مانند میل طبیعی صرف کشش نا آگاهانه نیست.

ج) میل شعوری، همراه اراده و اختیار است.

د) اهداف همواره بر اساس امیال شکل می‌گیرد. میل است که هدف را می‌سازد. تا میل به علم نباشد، تحصیل علم هدف قرار نمی‌گیرد.

^۱ محمد تقی مصباح یزدی، به سوی خودسازی، ص ۸۳-۸۴

^۲ همان ص ۴۳۵

بنابراینچه گفته شد مولفه مهم میل در وجود انسان، کشش و جاذبه درونی است که محرک انسان به رفتار و عمل خاصی است. از بیانات استاد مصباح بر می آید که مولفه دیگری می توان برای میل در نظر گرفت که ذکر آن در تعریف میل می تواند رهگشا باشد و آن "لذت" است^۱

بنابراین تعریف ما از میل اینگونه خواهد بود : کششی درونی همراه با لذت که انسان را به حرکت و می دارد و به رفتار انسان جهت می دهد.

۲-۶-۱. کاربرد های قرآنی

واژه میل و متعلقات آن ۶ بار در قرآن و در سه آیه از سوره نساء بکار رفته است :

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا^۲

میل در این آیه در معنای لغوی آن بمعنای انحراف و عدول از حد وسط بکار رفته است . گرچه میل در این آیه مطلق و بدون حرف جر بکار رفته ولی چه بسا متعلق انحراف ، از معنی و مضمون این آیه و آیات قبل بدست آید ؛ چنانکه آیات قبل در مورد تحریم ازدواج با محارم و احکام ازدواج است . پس می توان گفت میل در این آیه ، عدول و رویگردانی و انحراف از میانه و حق و گرایش به فساد است : الميل عن القصد و الحق .^۳

^۱ ایشان می فرمایند :

"محبت و میل به جهت وجود صفت کمالی در چیزی پدید می آید که انسان از آن صفت کمالی لذت می برد وقتی ما به فعالیت ها و خواسته ها و انگیزه هایی که از نظر فرم و شکل اختلافاتی با هم دارند می نگریم در می یابیم که در همه آنها محرک اصلی رسیدن به لذت و گریز از درد و رنج است . " همان ، ص ۷۹

^۲ نساء ۲۷ / خدا می خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)، اما آنها که پیرو شهواتند، می خواهند شما بکلی منحرف شوید. ترجمه مکارم شیرازی

^۳ ابن عاشور ، التحریر و التنویر، ج ۴، ص: ۹ / محمود زمخشری ، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص: ۵۰۱

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً^۱

برای اینکه بدانیم میل در این آیه دقیقاً به چه معناست باید به این سوال پاسخ دهیم که نهی خداوند در (فلا تمیلوا کل المیل) از چیست؟ احتمالاتی که در ابتدا به ذهن می‌رسد؛ ۳ چیز است: ۱- نهی از میل داشتن و محبت قلبی کامل به یکی از همسران ۲- نهی از توجه نمودن کامل به یک همسر^۲ (با حرف جر الی) ۳- نهی از اعراض و روی گردانی از یک همسر (با حرف جر عن) احتمال اول درست نیست بدلیل اینکه میل قلبی در اختیار انسان نیست و از اینروست که برخی از مفسرین در این آیه عدم توانایی در اجرای عدالت بین همسران (لن تستطیعوا) را بر عدم توانایی عدالت در میل قلبی حمل کرده‌اند.^۳

هر کدام از دو معنای دیگر قابل حمل بر آیه است^۴ ولی به نظر می‌رسد معنای سوم ترجیح داشته باشد زیرا: ضمیر فتدروها، در اینصورت به همین زنی که همسرش از آن روی گردان شده است بر می‌گردد و وحدت سیاق حفظ می‌شود بنابراین برای مرجع ضمیر نیاز به تقدیر دیگر نداریم و در واقع متعلق تمیلوا که در تقدیر است، مرجع ضمیر خواهد بود؛ در صورتیکه، اگر معنای دوم را در نظر بگیریم مرجع ضمیر غیر از متعلق میل خواهد بود و معنا چنین می‌شود: به یکی از زنان توجه کامل نکنید تا زن دیگر رها شود.

^۱ نساء ۱۲۹ / و شما هر چند هم که حرص بورزید هرگز نمی‌توانید میان زن‌ها (در میل باطنی) عدالت کنید، پس (حد اقل در وظایف ظاهری) یکسره از یکی از آنها روی نگردانید تا او را همانند زنی بلا تکلیف رها نمایید. و اگر صلح و سازش کنید و تقوا ورزید مسلماً خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. ترجمه مشکینی

^۲ توجه نمودن غیر از محبت داشتن است. ممکن است شخصی، محب کسی نباشد ولی بخاطر مسائلی به او توجه کند و در اینجا منظور، توجه کامل رفتاری نسبت به یکی از همسران در زمینه نفقه و حقوق و ابراز محبت و غیره است.

^۳ طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۱۸۵

^۴ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ، أَيْ إِلَى إِحْدَاهُنَّ أَوْ عَنْ إِحْدَاهُنَّ. ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۴، ص: ۲۶۹

وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَ لَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْنَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَهُ وَاحِدَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا^۱

این آیه مربوط به نحوه برپایی نماز در حین جنگ است که نماز خوف نام دارد.^۲ میل در این آیه با حرف جر علی بکار رفته است و بمعنی حمله کردن است.^۳ شواهدی وجود دارد که این معنا از واژه میل در میان عرب شائع بوده است چنانکه شیخ طوسی می فرمایند: عادت عرب بر این بوده است که ملنا علیهم را بمعنای حملنا علیهم بکار می برده است.^۴ اما ارتباط این معنا با معنای اصلی این واژه که همان انحراف است ممکن است به این جهت باشد که حمله کردن، نوعی انحراف و میل از اردوگاه به سوی دشمن است.^۵

^۱ نساء ۱۰۲ و چون (در هنگام خطر) در میان آنها باشی و برای آنها نماز (خوف به جماعت) برپا کنی، یک گروه از آنها (در رکعت اول نماز) با تو برخیزند (و نماز کنند) و البته باید سلاح‌های خود را بگیرند، و چون سجده کردند (و رکعت دوم نماز را فردی به اتمام رساندند بروند و) در پشت سر شما (مقابل دشمن) قرار گیرند و آن گروه دیگر که نماز نخوانده‌اند ببینند و نماز خود را با (رکعت دوم) تو بخوانند و البته باید بر حذر باشند و سلاح‌های خود را بگیرند، زیرا کافران دوست دارند شما از سلاح‌ها و ساز و برگ‌های خود غفلت کنید پس یک مرتبه بر شما حمله کنند. و اگر از باران ناراحت بودید یا بیمار بودید بر شما گناهی نیست که سلاح‌های خود را بر زمین نهید و حالت احتیاط به خود گیرید، همانا خداوند برای کافران عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است. ترجمه مشکینی

^۲ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۶

^۳ وَ مِلْتُ عَلَيْهِ: تحاملتُ علیه؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن ص ۷۸۳

^۴ ایشان روایتی را نیز نقل می کنند که در آن واژه میل به این معنا بکار رفته است؛ رک: محمد بن حسن طوسی، التبیان

فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۳۱۰

^۵ سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن ج ۶ ص ۳۲۵ دارالکتب الاسلامیه تهران چ ششم ۱۳۷۱

۲-۶-۱. واژگان همسو

۱-۲-۶-۱. اراده

اراده، واژه‌ای است که هم به معنای خواستن و طلب کردن و دوست داشتن چیزی بکار می‌رود^۱ و هم به معنای تصمیم‌گیری و قصد. معنای اول آن به معنای میل نزدیک است لذا اراد الشيء را به معنای میل و رغبت کردن به چیزی نیز گرفته‌اند.^۲ بنابراین بر طبق معنای دوم، میل یکی از مقدمات و مراحل اراده است و در معنای اول، میل و اراده مترادف بکار می‌روند.

فلاسفه در مورد تبیین اراده و چیستی آن بحث‌های مختلفی کرده‌اند؛ استاد جوادی آملی در این زمینه می‌گوید: کشش و تلاشی که نفس برای انجام کاری از خود نشان می‌دهد هم میل است و هم اراده ولی با دقت می‌بینیم چاره‌ای جز تفکیک بین اراده و میل نیست گرچه اراده مراتبی دارد که یکی از مراتب نازله آن میل محسوب می‌شود و میل نیز مراتبی دارد که بعضی از مراتب آن عالیه آن را اراده می‌گویند ولی باید دید مرزی که این دو از هم جدا می‌شوند کجاست؟

مرحوم ملا صدرا بر این باور است که مرز جدائی انسان از حیوان اراده و میل است زیرا انسان متحرک بالاراده ولی حیوان متحرک بالمیل است.... فرق میل و اراده این است که اگر نیروی کشش و جاذبه و تلاش و کوشش تحت رهبری وهم، شهوت و غضب تنظیم شود میل نامیده می‌شود و موجودی که در حد وهم می‌اندیشد و بر اساس وهم کار می‌کند متحرک بالمیل است نه بالاراده؛ ولی اگر این تلاش و کوشش جذب را عقل عملی به عهده بگیرد نه وهم، اراده نام دارد و موجودی که با رهبری عقل، تلاش و کوشش می‌کند متحرک بالاراده است.^۳

استاد مصباح این معنا از اراده را معنای اخص آن می‌داند و برای اراده سه معنا بیان می‌کند: معنای عام آن مترادف با دوست داشتن و پسندیدن، معنای خاص یعنی تصمیم گرفتن که متوقف بر تصور کار و تصدیق به نوعی فائده (لذت) برای آن می‌باشد و بالاخره معنای اخص آن یعنی تصمیمی که ناشی از

^۱ احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۲۴۵؛ احمد الزیات و دیگران، المعجم الوسیط (۱-۲) ص ۳۸۱ نشر موسسه امام صادق، تهران چاپ ششم

^۲ رضا مهیار، فرهنگ ابجدی، ص ۳۸ (نشر انتشارات اسلامی تهران، ۱۳۷۵) چاپ دوم

^۳ عبدالله جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ج ۱۰، ص ۱۲۸ مرکز نشر اسرا، چ ۲، ۱۳۷۸